

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حرف حساب!

چون روزنامه ها و مجلاتی که چاپ و منتشر میشود از نظر دینی، و تربیتی، و اخلاقی، باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد لذا مقصود است کلیه روزنامه ها و مجلاتی که در آن شهرستان منتشر میشود دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، و چنانچه مطالب برخلاف اصول دینی و تربیتی و اخلاقی مشاهده شد بلافاصله طبق قانون مطبوعات « اقدام واز نتیجه اداره کسل نگارش این وزارت را مستحضر دارند.

د از طرف وزیر فرهنگ،

رونوشت برای اطلاع به «مکتب اسلام» فرستاده میشود، از کلیه روزنامه ها و مجلاتی که چاپ میشود دو نسخه از آنها برای مطالعه و رسیدگی باین اداره ارسال دارند! د رئیس اداره فرهنگ شهرستان قم،

۲۴/۹/۶۲

ظاهر این بخشنامه گواهی میدهد که تصمیم بر این شده است انشاءالله بعد از این نظارت کامل و دقیق از طرف وزارت فرهنگ، نسبت به مطبوعات از جنبه های اخلاقی و دینی و تربیتی بعمل آید و قانون مطبوعات که خوشبختانه يك قانون بسیار صریح و گویای است در مورد آنها مویب و اجر اشود

مخدوساً مطلب بقدری جدی است که حتی مجله علمی دینی «مکتب اسلام» که از بیک

مرکز بزرگه دین و روحانی منتشر میشود و باید مرجع برای تشخیص مطالب دینی و اخلاقی و تربیتی باشد مشمول این بخشنامه شده است! مثالی است معروف میگویند: سرمد ایشکن، ولی نعم رانشکن! ما هم برای اینکه و نرخ و ایشکنه باشیم حرفی نداریم که چنین بخشنامه ای برای تمام نشریات فرستاده شود، حتی برای مجله «مکتب اسلام»!

لذا بدقت مجله ستارش کردیم هر ماه نسخه چاپ شده مجله را با اداره فرهنگ قم بررستند نامورد و مطالعه و بررسی قرار گیرد، و چنانچه مطالبی برخلاف اصول دینی و تربیتی و اخلاقی در این مجله مشاهده کردند بلافاصله طبق قانون مطبوعات اقدام و از نتیجه آن، اداره کل نگارش را هم مستحضر دارند!

خفا کنند که این بخشنامه مویب و اجر اشود و اگر ما نیز در اصول و قروع دینی اشتباه و خطائی داشتیم بمانع گردند

همسیدانند وضع مطبوعات یکی از مشکلات اجتماع کدونی ما است، و اصلاح آن خواسته عموم طبقات مردم است، و بدون اصلاح آن هر گونه کوششی برای اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی اجتماع بیبائی نخواهد رسید.

البته باید بظنیر برسد این بخشنامه مخصوص قم و جرائد و مجلات این شهرستان باشد؛ بلکه با احتمال قوی بشام شهرستانها فرستاده شده است، و باز باید بظنیر برسد منظور فقط صادر کردن «بخشنامه» و «ذکر العیش»! باشد، روی همین جهت، ما با اطلاعائی که از وضع مطبوعات مختلف کشور داریم و نقاط ضعفی که از جنبه های دینی و اخلاقی و تربیتی در دینی، از آنها مشاهده کرده ایم « فقط چند نکته » را در اینجا یاد آور میشویم، تا هم کار وزارت فرهنگ آسان شود و هم خوانندگان محترم توجه بیشتری بوضع مطبوعات و نشریاتی که در دسترس فرزندان و جوانان و دوستان آنها قرار دارد بکنند.

امیدواریم این تذکرات مؤثر واقع شود و فکری بحال این موضوع حیاتی یعنی «مطبوعات» شود.

۱ - عکسهای زننده - نخستین چیزی که هر کس در اولین برخورد با بعضی از مجلات و جرائد متوجه آن میشود عکسهای زننده و هوس انگیزی است که جلد با صفحات داخلی آنها را با اصطلاح و زینت، میدهد.

گرچه عده ای از جرائد و مجلات اهداف، از این موضوع اجتناب میکنند ولی در مقابل

عدم ای از آنها فوق‌العاده در این قسمت بی‌پروا هستند .

این عکسها بر روز زمان بی‌پرده تر و عریان تر میشود ، کار بجائی رسیده که در بعضی از موارد بالخت مادرزاد فقط يك دمایو ، فاصله دارد . دلیل آنها روشن است ؛ زیرا کسانیکه با اینگونه عکسها تحريك و تخدر میشوند درست مانند مبتلایان باقیون با گذشت زمان بوضوح موجود عادت میکنند و اگر در برابر محرك قویتر و حادثه تری قرار بگیرند « نشانه » میشوند ، اینگونه عکسها مسلماً در روحیه جوانان که در دوران غلطان غریزه جنسی قرار دارند تأثیر فوق‌العاده نامطلوبی دارد که گمان نمیکنیم احتیاج بشرح داشته باشد .

آگهیهای سینمایی بعضی از جرائم معروف تهران نیز دست کمی از عکسهای اینگونه مجلات ندارد ؛ زیرا آگهی کنندگان مخصوصاً سعی میکنند مهیج‌ترین و شهوت‌انگیزترین مناظر فیلمهای عشقی را برای جلب توجه مشتریان در این جرائم که بدبختانه بدست عامه مردم اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ میرسد منعکس سازند .

گردانندگان این جرائم نیز بدفرا اینکه آگهی است ؛ و آگهی برای مطبوعات مانند خون در عروق انسان میباشد . و آنها در برابر آگهیها مسئولیتی ندارند ؛ دست بشرکب آن نمیزنند .

اگر راستی بخواهست فکری برای مطبوعات شود خوب است لااقل از نشر عکسهای لخت سینمایی و غیر سینمایی جلوگیری بعمل آید ، درست است این وضع از مطبوعات اروپا بکشور ما سرایت کرده ولی بنابینست که هر کاری آنها کردند ما چشم و گوش بسته و بی‌اراده بدنبال آنها قدم برداریم .

۲- آگهیهای مشروبات الکلی و آبجو!

سابقاً این نوع آگهیها در مطبوعات زیاد به چشم میخورد . (حتی در روزنامه های کثیر-الانتشار) و شاید الان هم کم و بیش وجود داشته باشد ؛ عذر آنها هم برای درج اینگونه آگهیها همان « عذرنامه وجه » بالا است ، بدیهی است اینگونه آگهیها دعوت مستقیم بفساد اخلاق و انحراف است .

اگر بناعست اقدامی بشود باید بجای اینکه یک بختنامه سر بسته صادر نموده و کلی-گویی کنند ، صریحاً از درج اینگونه آگهیها و آنچه مشابه آنهاست طی یک بحثنامه که عمل هم سه